

«ماد دیگر نمی توانیم جهانی شدن را به عقب بیاوریم؛ زیرا آمده است که بماند.» این سخن جوزف استیگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۰۱ از يك سو اهمیت پدیده جهانی شدن را در اقتصاد امروز نشان می دهد و از سوی دیگر گویای آن است که رویارویی با «جهانی شدن» کاری گریزناپذیر است.

جهانی شدن مقوله ای است که باب نکوهش و نیز باب ستودن آن از زوایای گوناگون باز شده و اجماع جهانی برای شکل دهی اش و نیز برخورداری از آن، مطالعه دقیق این پدیده را ضروری ساخته است. اینک، با توجه به ماهیت پیچیده جهانی شدن، می توان انتظار داشت که این رویداد بر همه ابعاد زندگی انسانها تأثیر بگذارد، فرصت هایی پدید آورد و نیز زمینه ساز رویارویی های ناخواسته شود. در این فرآیند آنچه کمرنگ خواهد بود، همانا رویگردانی از منافع است و آنچه محسوس تر می نماید، پدید آوردن منافع و نیز انحراف، حرکت و انتقال آن از جایی به جای دیگر است. همچنین آن که دقیق تر عمل کند، شانس بیشتری برای دستیابی به سود خواهد داشت.

با توجه به آمار و نشانه ها می توان دریافت که بخش های صنعت و خدمات در کانون توجه به رویداد جهانی شدن هستند. از این رو، تعامل و تقابل بخش صنعت و معدن اقتصاد ایران با این رویداد جهانی اهمیت بسزا دارد. در جریان جهانی شدن، در صنعت نیز چون دیگر بخش های اقتصاد، نظام تولیدی تازه ای شکل می گیرد؛ نظامی که در آن سهم اطلاعات، دانش و خدمات افزایش می یابد؛ سهم نیروی کار کم مهارت در تولید، کم می شود؛ مواد پیشرفته و جدید جای مواد سنتی را می گیرد، تنوع محصول، طراحی، مدیریت فرآیند، بازاریابی، فروش و تبلیغات اهمیت روزافزون می یابد و برتری های ناشی از فراهم بودن منابع طبیعی در الگوی رقابتی تازه، جای خود را به امتیازها و برتری های ناشی از دانش و فناوری می دهد. به این ترتیب، در فضای تازه اقتصاد جهانی، تأکید بر اهمیت بازار و نقش آن در سودیابی و برخورداری از سود بیشتر، جایگاه و ارزش ویژه می یابد.

با توجه به نکاتی که مطرح شد، نویسنده مقاله با اشاره به ماهیت «جهانی شدن» و روند شکل گیری آن، کوشیده است تأثیرهای این پدیده را بر بخش ویژه صنعت و معدن، بازوی کردی به اقتصاد ایران، بیان کند؛ با این امید که شناساندن کاستی ها و برتری های ایران، گامی سازنده در راه بهبود عملکرد ایران در عرصه جهانی باشد.

شکل گیری.

ریشه یابی انگیزه های شکل گیری رویداد جهانی شدن از مقوله هایی است که ذهن بسیاری از اندیشمندان را در رشته های گوناگون دانش به خود واداشته و هر اندیشمندی از دیدگاه خود، به طرح و بررسی مسئله در این زمینه پرداخته است. از این رو، اقتصاد نیز از این پژوهش ها بی بهره نمانده است.

شاید اگر بگوئیم که سرچشمه اساسی جهانی شدن همانا گرایش اقتصادی بوده است، راه اشتباهی نیموده ایم؛ همان گرایش اقتصادی که سبب ساز و بانی آن نظام سرمایه داری است. این

سراغاز

جهان امروز شاهد رویدادی است که از نظر تأثیر گذاری بر ابعاد گوناگون زندگی بشر با هیچ يك از رویدادهای مهم پیشین قابل مقایسه نیست. جنگ های جهانی اول و دوم که خیره کننده ترین رخدادهای قرن بیستم به شمار می آیند نیز تا این اندازه بر جنبه های گوناگون زندگی انسان تأثیر نگذاشته اند. این مطلب که «این پدیده چگونه بوجود آمده و سیر پیشرفت آن چگونه خواهد بود» موضوعی مهم دانسته می شود، اما مهمتر آن است که بدانیم جهانی شدن واقعیتی است در حال

ماهیت جهانی شدن و فرصتهای فراروی صنعت و معدن ایران

صالح طاهری

مدرس دانشگاه و کارشناس

سازمان مدیریت و برنامه ریزی

استان خراسان

نظام، سکون و اشیاع سود را نمی‌پذیرد و با قدرتی که دارد، راهی برای بالندگی سود خود می‌یابد. بسته به مسیر، مقیاس محلی، منطقه‌ای، کشوری توجیه می‌شود تا جایی که امروزه به مقیاس جهانی رسیده است. در حالی که مزه ایجاد بازار جهانی سرمایه و امکان نقل و انتقال سرمایه و سودهای حاصل از سوداگری آن در کام نظام سرمایه‌داری بود، ایده شکل‌گیری بازار جهانی کالا و خدمات نیز قوت گرفت.

نقل و انتقال سریع سرمایه در سطح جهان، به امید دستیابی به سود زیاد و گریز بهنگام از بحرانهای پیش‌بینی شده، جز با فناوری اطلاعات و ایجاد شبکه‌های کارآمد الکترونیک، امکانپذیر نبود. به این ترتیب، افزون بر زندگی اقتصادی انسان، زندگی اجتماعی او نیز از این پدیده تأثیرپذیرفت. نظام سرمایه‌داری دولت را تا آن زمان که دخالتش در جهت ناخواسته باشد، نمی‌پسندد و بر این پندار است که دولت برگزیده مردم در بیشتر موارد سدهایی در راه دستیابی به سودهای کلان و بی‌تناسب‌اش پدید می‌آورد؛ سودهای ناشی از کاربرد نیروی کار ارزان، مواد اولیه غارت شده، تبلیغات مسلط، سوداگری و... بر مبنای مورد نظر نظام سرمایه‌داری، زمانی که بحران پیش روی سرمایه‌داری است، دولت حق دخالت دارد، و گرنه دخالتش به تخصیص ناکارای منابع می‌انجامد.

با این دیدگاه و در راستای هدفهای مورد بحث، نظام سرمایه‌داری برای برنامه «جهانی شدن» مقدمه‌چینی کرد و تحت لوای اینکه فرآیند جهانی شدن سبب‌ساز توسعه، رفاه و نیکی‌بخشی انسانها خواهد شد، ماهیت آن را مخفی ساخت. از این رو، بر پایه تئورهای آنها، کشورهایی که تن به ادغام نمی‌دهند، در انزوا و گوشه‌گیری، از هدف بزرگ جهانی شدن باز می‌مانند.

روند گرایش به ادغام جهانی

تا پیش از بحران سال ۱۹۲۹، تئورهای کلاسیک، به مثابه اندیشه‌های حاکم بر اقتصاد، به کار

می‌آمدند تا اینکه «کینز» برای رفع آن بحران، نظریه‌ای ارائه داد؛ مبنی بر اینکه دولت‌ها باید در دوران افول اقتصادی، با افزایش سرمایه‌گذاری، تقاضای اضافی بوجود آورند تا به این ترتیب از بحران‌هایی که در روند پیشرفت پدید می‌آیند، پیشگیری کنند. از سوی دیگر، در دوران رونق اقتصادی، دولت‌ها باید با افزایش درآمدهای مالیاتی، بدهی‌های به بار آمده دولتی را بپردازند تا از جهش اقتصادی و افزایش تورم پیشگیری شود.^۱ با توجه به نقش کارساز این نظریه در حل بحران سال ۱۹۲۹ پیروی از آن راه پیشگیری از رویدادهایی مانند آن در آینده دانسته شد و چنین بود که سازمان به نام «آی. ام. اف.»^۲ پدید آمد. (صندوق بین‌المللی پول که در کنفرانس پولی و مالی برتون‌وودز، در سال ۱۹۴۴ بنیان گذاشته شد). این سازمان مسئولیت یافت که از بروز بحران دیگری جلوگیری کند. البته به سبب خروج اروپا از جنگ، در همین سالها، سازمانی هم با نام بانک جهانی برای تأمین مالی بازسازی اروپای پس از جنگ، پدید آمد و کار خود را آغاز کرد. از سوی دیگر، در کنفرانس برتون‌وودز قرارداد مهمی برای ایجاد نظم پولی بین‌الملل بسته شد و بر پایه آن، برای پول همه کشورهای که به این قرارداد پیوستند، یک نرخ ثابت برابری در مقابل دلار در نظر گرفتند. افزون بر این، بانک مرکزی آمریکا به نوبه خود تبدیل دلار به طلا را تضمین کرد. با این قرارداد، تجارت ارز نیز چون تجارت کالا تحت نظارت دولت درآمد و برای تبدیل و انتقال مبالغ کلان در بیشتر کشورها باید مجوز گرفته می‌شد.

جنگ ویتنام و به تبع آن عدم تعهد آمریکا به پرداخت طلا در برابر ارز از یک سو و شوک افزایش قیمت نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ از سوی دیگر، درستی نظریه کینز را مورد تردید قرار داد.^۳ در بسیاری موارد دولت‌ها نتوانستند بودجه دولتی و تورم را کنترل کنند. نرخ برابری ارزها هم دیگر قابل کنترل نبود. از این رو، محافظه‌کاران پس از پیروزی در انتخابات سال ۱۹۷۹ انگلستان و نیز انتخابات سال ۱۹۸۰ آمریکا، سیاست تولیبرالیسم را که اقتصاددانانی چون فریدمن (مشاور ریگان) و

● با توجه به آمار و نشانه‌ها می‌توان دریافت که بخش‌های صنعت و خدمات در کانون توجه «جهانی شدن» هستند؛ از این رو، تعامل و تقابل بخش صنعت و معدن ایران با این رویداد جهانی اهمیت بسزادارد.

● شاید اگر بگوییم که سرچشمهٔ اساسی جهانی شدن همانا گرایش اقتصادی بوده است، راه اشتباهی نپیموده‌ایم؛ همان گرایش اقتصادی که سبب ساز و بانی آن نظام سرمایه‌داری است.

فون هایک (معلم و راهنمای مارگارت تاچر) منادی آن بودند، به کار گرفتند. بر پایهٔ این نظریه، دولت تنها پاسداری از نظم را بر عهده دارد و نیز شرکتهای خصوصی هر چه بیشتر در سرمایه‌گذاری‌ها و بهره‌گیری از نیروی کار آزادتر باشند، پیشرفت و رفاه به دست آمده برای همگان بیشتر می‌شود. به این ترتیب، آنها قانون عرضه و تقاضا را بهترین اصل برقراری نظم دانستند و با این شرایط، سازمانهای بین‌المللی صندوق پول و بانک جهانی نیز تغییر هویت دادند و از هدفی که به آن سبب تشکیل شده‌اند، فاصله گرفتند.

تأکید بر بازار، رکن اساسی یکپارچگی جهانی است؛ از این رو، ادغام را می‌توان از دودیدگاه عمدهٔ بازار سرمایه و تجارت آزاد کالا و خدمات، مورد بررسی قرار داد.

● جهانی شدن از دیدگاه تجارت کالا و خدمات: موافقتنامهٔ برتون وودز خواستار ایجاد یک سازمان اقتصادی بین‌المللی دیگر هم شده بود که سازمان تجارت جهانی نامیده می‌شد. هدف این سازمان نظارت بر مناسبات تجاری بین‌المللی بود؛ مانند وظیفه‌ای که صندوق در مناسبات پولی و مالی بین‌المللی دارد. سیاست فقیر کردن همسایه که با آن کشورها، تعرفه‌های گمرکی خود را بالا می‌بردند تا از اقتصاد داخلی‌شان به زیان همسایگان، حمایت کنند، به سبب دامن زدن به کساد اقتصادی و نیز عمق بخشیدن به آن، به شدت مورد نكوهش بود. از این رو، پدید آوردن یک سازمان بین‌المللی که از تکرار این کسادها پیشگیری کند و نیز جریان آزاد کالاها و خدمات را آسان سازد، کاملاً احساس می‌شد. البته موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، کاهش تعرفه‌ها را تا بسیار مورد بحث قرار داد، اما توافق نهایی صورت نگرفت. تنها در سال ۱۹۹۵ یعنی نیم قرن پس از جنگ جهانی دوم و سه ربع قرن پس از رکود بزرگ بود که سازمان تجارت جهانی پایه عرصه وجود گذاشت.^۴

● جهانی شدن از منظر سرمایه: جهانی شدن از این منظر را شاید بتوان مهمتر از منظر تجارت کالاها و خدمات دانست. اصولاً اگر بتوان

سلسله مراتب توان تأثیرگذاری بر اقتصاد جهانی را به صورت سرمایه‌داران کشورهای صنعتی، دولتهای کشورهای صنعتی و کشورهای غیرصنعتی طبقه‌بندی کرد، جهانی شدن سرمایه خواست سرمایه‌داران کشورهای صنعتی است و جهانی شدن کالاها و خدمات خواست دولتهای آنها؛ سهم کشورهای غیرصنعتی هم فقط تأثیرپذیری از این خواست‌هاست.

بانکهای بزرگ و صنعتی که به سرعت توسعه می‌یافتند، کنترل بورو کراتیک را «ترمیزی نامطلوب» برای فعالیت‌هایشان می‌دانستند. از سال ۱۹۷۰، آمریکا، کانادا، آلمان فدرال و سویس از کنترل حرکت سرمایه صرف نظر کردند و به این ترتیب سد شکسته شد و سودگران هم که ارزش هر پول را بر اساس امکان استفاده از آن در سرمایه‌گذاری‌های گوناگون تعیین می‌کنند، در میان خود بر سر نرخ برابری ارزها به توافق رسیدند. از این رو، سیستم نرخ ثابت برابری برتون وودز در هم شکست. البته شرکتهای هم با شکوه از اینکه به پول خارجی با بهرهٔ مناسب دسترسی ندارند، نقش خود را در این رویداد بازی کردند. بقیهٔ کار را صندوق بین‌المللی پول و اتحادیهٔ اروپا انجام دادند. صندوق با این شرط که کشور وام‌گیرنده پول خود را قابل تبدیل کند و دروازه‌هایش را به روی تردد بین‌المللی سرمایه بگشاید، ایفای نقش کرد و اتحادیهٔ اروپا، با اعتقاد راسخ به افزایش رفاه از راه آزادی بی‌حد و مرز اقتصادی و ایجاد بازار داخلی اروپا؛ یعنی هم بازار سرمایه و هم بازار کالاها و خدمات، به تشویق ادغام اقتصادی پرداخت.

جهانی شدن اقتصاد و گامهای

شکل‌گیری آن

در فرآیند جهانی شدن اقتصاد چهار گام اساسی را می‌توان برشمرد:

● گام نخست خصوصی کردن اموال دولتی است که برای کاهش کسری بودجهٔ دولت و نیز عملکرد بهتر بخش خصوصی در اقتصاد واقعی

برداشته می‌شود.

● گام دوم رهاسازی بازار سرمایه است. با این کار سرمایه از مداخلات زیانبخش دولت‌ها می‌شود و به سمت و سویی می‌رود که بازده آن بیشتر است.

گام سوم، کنترل‌زدایی از قیمت‌هاست که به علایم پیشنهادی قیمت‌ها در بازار اشاره دارد. اساس قیمت‌های واقعی، تخصیص کارا و مؤثر است.

● گام چهارم را باید تجارت آزاد و برداشتن سدهای ورود و خروج آزادانه کالاها و خدمات دانست. با این شیوه، کشورها با تکیه به برتری‌های نسبی در تولید کالا و خدمات گوناگون و نیز تخصصی کردن کارها، امکان بیشترین تولید را فراهم می‌سازند و در نتیجه، رفاه و توسعه را برای ملت‌هایشان به ارمغان می‌آورند.

با نگاهی به تعریف اقتصاددانان غربی، بویژه کارشناسان صندوق بین‌المللی پول از اصلاحات اقتصادی، می‌توان دریافت که این گام‌ها برآیند بینش اقتصادی آنها در زمینه جهانی شدن است. برای نمونه، به تعریف فیشر^۵ (۱۹۹۳) از اصلاحات می‌توان اشاره کرد که آن را دربرگیرنده این اجزاء می‌داند: پایدارسازی اقتصاد کلان، آزادسازی قیمت‌های داخلی، آزادسازی تجارت خارجی و تبدیل‌پذیری ارزهای خارجی، اصلاح ساختار بنگاه‌ها و خصوصی‌سازی، ایجاد شبکه‌های تأمین اجتماعی و ایجاد و توسعه چارچوب قانونی و نهادهای لازم برای کارکرد درست اقتصاد متکی بر نظام قیمت‌ها.

شرایط اعضاء

برای پیوستن به روند جهانی شدن، کشورها باید از شرایطی رسمی و غیررسمی برخوردار باشند. بعضی از این شرایط، با تعریفی که از اصلاحات اقتصادی ارائه شد، مشخص شدند؛ شرایطی که گاه به صورت نسخه‌های صندوق پول به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد می‌شود. سازمان تجارت جهانی هم به عنوان یکی دیگر

از بنیان جهانی شدن این شرایط را برای کشورهای عضو بر شمرده است:

۱- داشتن سیاست‌های تجاری شفاف؛ یعنی ضوابط و مقررات صادرات و واردات به آسانی و در کمترین زمان، انتشار یابد و به اندازه کافی در اختیار همگان قرار گیرد.

۲- قطع حمایت‌های دولتی و تعدیل سیاست‌های اقتصادی با حذف سوبسیدهای صادراتی. البته ممکن است با جلب نظر و گرفتن اجازه از اعضاء، برخی از یارانه‌ها تا حدودی پرداخت شوند.

۳- کشور عضو ملزم است که محموله‌ها و وسایل حمل و نقل کشورهای عضو را هنگامی که مقصد آنها کشور دیگر است، از داخل مرزهایش آزادانه عبور دهد.

۴- تعدیل و تبدیل محدودیت‌های مقداری به تعرفه‌های گمرکی با حدود مرز مشخص و محدود.

۵- مناطق آزاد تجاری، وابسته یا تحت کنترل هر کشور باید تابع مقررات سازمان باشد.

۶- تخفیف‌ها و امتیازها باید همه اعضاء را دربرگیرد؛ یعنی دادن تخفیف یا امتیاز به يك عضو مقدر نیست، مگر آنکه آن تخفیف یا امتیاز به همه اعضاء داده شود (اصل دول کامله الوداد).

۷- اصلاح تدریجی ساختار اقتصادی کشورهای عضو بر اساس نظام بازار آزاد.

تأثیرهای عمده جهانی شدن بر صنعت

۱-۵- جهانی شدن در آئینه آمار

۱-۵-۱- در نیم قرن گذشته، ترکیب کالاهای تجاری به شدت دگرگون شده و شاخص ارزش صادرات کالاهای کشاورزی، کانی‌ها و فرآورده‌های صنعتی در این پنجاه سال به ترتیب به ۱۹/۳، ۸۴/۵ و ۱۹۴ برابری رسیده است.

این روند نشان می‌دهد که محصولات صنعتی در کانون توجه جهانی شدن است. البته در بیشتر نشست‌های سازمان تجارت جهانی نیز محصولات صنعتی محور گفتگوها بوده و تنها از دور آرو گونه به این سو و به اصرار کشورهای در حال توسعه که

● تأکید بر اهمیت

بازار، رکن اساسی یکپارچگی جهانی است؛ از این رو، ادغام جهانی را باید از دو دیدگاه عمده بازار سرمایه و تجارت آزاد کالا و خدمات مورد بررسی قرار داد.

برتری شان بیشتر در تولید فرآورده‌های کشاورزی است، کشاورزی بطور جدی محور گفتگوها قرار گرفته است.

۲-۱-۵. در چند دهه گذشته، سهم کالاهای نخستین و محصولات متکی به منابع طبیعی در مجموع تجارت جهانی روند رو به کاهش داشته است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۴ به کمتر از ۵۰ درصد رسیده و در سال ۲۰۰۰ به ۲۸ درصد کاهش یافته است.

اکنون محصولات غیر متکی به منابع طبیعی، بویژه در رده‌های بالای فناوری، سهم عمده‌ای در تجارت جهانی یافته‌اند که می‌توان گفت جهانی شدن بر این روند تأثیر گذاشته است و پیش‌بینی می‌شود که در سالهای آینده این سهم باز هم بیشتر شود.

۳-۱-۵. برآوردها نشان می‌دهد که شمار شرکتهای فراملیتی از ۷ هزار شرکت اصلی و ۳۶ هزار شرکت وابسته در سال ۱۹۷۰ به ۶۵ هزار شرکت مادر و ۸۵ هزار شرکت وابسته در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است.

با وجود شرکتهای فراملیتی، امتیاز نسبی هزینه جای خود را به امتیاز مطلق هزینه داده است. امتیاز مطلق در همه بازارها و کشورها به‌طور همزمان معنا می‌یابد. اگر شرکتهای فراملیتی کالاهایشان را در مناطقی تولید کنند که دستمزد در آنجا از همه جا کمتر باشد و پرداختهای اجتماعی و هزینه زیست محیطی نمود نداشته باشند، هزینه‌هایشان هم کاهش می‌یابد. جهانی شدن با فراهم آوردن امکانات ترازبری مدرن و کاهش هزینه‌های آن، حرکت این شرکتهار اورای قاره‌ها آسان می‌کنند و مراحل انفرادی تولید را به یکدیگر پیوند می‌دهند و متمرکز می‌سازند.

۴-۱-۵. در دوره ۲۰۰۰-۱۹۸۲ جریانهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیش از ۲۵ برابر شده و از ۵۹ میلیارد دلار به ۱۴۹۱ میلیارد دلار افزایش یافته است. مجموعه صادرات کالاها و خدمات نیز در این دوره از ۲۱۲۴ میلیارد دلار به ۷۰۳۶ میلیارد دلار افزایش یافته است که می‌توان گفت رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نزدیک به

۸ برابر رشد تجارت جهانی بوده است. سرمایه‌گذاری خارجی بخش کلیدی جهانی سازی جدید است. خصوصی سازی، آزادسازی و تثبیت اقتصاد کلان باید فضایی به وجود آورد که سرمایه و از جمله سرمایه خارجی را جلب کند. این سرمایه‌گذاری موجب رشد است. دادوستد خارجی، دانش فنی و دسترسی به بازارهای جهانی را با خود همراه دارد و امکان اشتغال جدید را فراهم می‌آورد. شرکتهای خارجی همچنین به منابع مالی دسترسی دارند و این در کشورهای در حال توسعه که مؤسسه‌های مالی آنها ضعیف هستند، اهمیت بسیار دارد. البته باید توجه داشت که سرمایه به صورت سوزان، یعنی برای اهداف سوداگرانه وارد اقتصاد نشود تا بحرانهایی چون بحران جنوب شرقی آسیا را در پی نداشته باشد.

۲-۵- شکل‌گیری نظم نو در صنعت

در سالهای آینده اشاعه نظام‌های نو برای سازماندهی صنعتی که گاه آنها را شیوه‌های تولید قابل انعطاف می‌نامند و گاه رقابت جدید دانسته می‌شود، فرآیند در هم آمیزی بین المللی را پیش خواهد برد. مهمترین ویژگی نظام نو صنعتی، کاهش اهمیت نسبی صرفه‌های مقیاس ناشی از تولید انبوه، فراهم شدن امکان تولید کارآمد در مقیاسهای کوچکتر، توأم با گسترش محصولات طیف تولیدی در هر واحد صنعتی و در نتیجه شکل‌گیری امکانات گسترده‌تر برای انطباق با شرایط تقاضا و بازار و همچنین سازگاری بیشتر آن با محدودیتهای بنگاه‌های کوچک و متوسط است. کاهش متوسط سیکل تولید، افزایش هزینه‌های توسعه محصول و تحقیق و توسعه و عرضه محصول و زمان جایگزینی محصولات، از جمله ویژگی‌های دیگر نظام نو سازماندهی صنعتی است.

چالشها و فرصتهای صنعت ایران در

روبارویی با ادغام جهانی

اقتصاد ایران چه بخواهد و چه نخواهد، در

● اگر بتوان سلسله مراتب توان اثرگذاری بر اقتصاد جهانی را به صورت سرمایه‌داران کشورهای صنعتی، دولتهای کشورهای صنعتی و نیز کشورهای غیر صنعتی طبقه‌بندی کرد، جهانی شدن سرمایه‌خواست سرمایه‌داران کشورهای صنعتی است و جهانی شدن کالاها و خدمات خواست دولتهای آنها؛ سهم کشورهای غیر صنعتی هم فقط تأثیرپذیری از خواست آنهاست.

روند با کاهش بودجه عمرانی و به تبع آن کاهش زیرساختها، می تواند در همه بخشهای اقتصاد ایران، بویژه در صنعت آشکار شود.

● زوال بسیاری از شرکتهای دولتی و غیردولتی: با توجه به شرایط اعضاء برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، عدم اتکا به سیاستهایی چون دادن یارانه الزامی است که در نتیجه، امتیازهای دولتی نیز کم ارزش خواهد شد. اما از آنجا که گران بسیاری از شرکتهای دولتی و تولید آنها به این امتیازها بستگی دارد و چون این شرکتهای توجّهی به ایجاد توان رقابتی تولید بر مبنای بازار نداشته اند، زوال آنها قابل پیش بینی است.

● تغییر الگوی تولید، بویژه در صنعت: شرکتهای موفق در فرآیند جهانی شدن یا باید ترجیحات مصرف کنندگان مناطق گوناگون جهان را با الگوی تولیدی خود هماهنگ سازند یا اینکه الگوهای تولیدی منعطف در همراهی با ترجیحات متفاوت ایجاد نمایند. تکیه بر حالت اول از لحاظ بازاریابی و تغییر فرهنگ مصرفی دشوار و هزینه بر است و به نظر می رسد که حالت دوم بیشتر امکان دارد. شرکتهای تولیدی کشور ما به لحاظ حفظ بازار داخلی، از راه حصار کشی به وسیله تعرفه و سوددهی قابل توجه آن، در هماهنگی با الگوی ترجیحی مصرف کننده خارجی با مشکلات بسیار روبرو هستند.

● عدم بهره برداری اقتصاد ایران از شرکتهای چند ملیتی: جهانی شدن اقتصاد به معنای تحرك آزادانه کالاها و خدمات و عوامل تولید، مانند سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی در سطح جهان است. با این تعریف، می توان به نقش مهم این شرکتهای در این رویداد پی برد. شرکتهای چند ملیتی در فرهنگ اقتصادی کشور ما تا حدودی غریب می نمایند. در نتیجه، اقتصاد ما از نقش این شرکتهای در توسعه اقتصادی نیز بهره ای نخواهد برد.

● عدم توانایی نفت و گاز در کمک به اقتصاد ما در فرآیند جهانی شدن: اقتصاد ایران با نفت ماهیت می یابد. نفت و گاز می توانستند در فرآیند جهانی شدن به اقتصاد ما نیروی قابل توجه تزریق کنند؛ اما سازمان تجارت جهانی با مستثنای دانستن

معرض تأثیرهای جهانی شدن قرار خواهد گرفت؛ اما مزینتهای پیش رو می توانند بر ضعف اقتصاد ما چیره شوند و توسعه دلخواه را پدید آورند. عکس این مطلب نیز مصداق دارد و خسارتهای ناشی از جهانی شدن می تواند چنان باشد که فقر و تضاد سنگینی را بر جامعه تحمیل کند. در رویداد ادغام جهانی مواردی وجود دارد که هر نوع اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد، ولی اندازه این تأثیر و نوع آن به توان اقتصاد بستگی دارد. در ادامه به بعضی از این تأثیرها که در صورت عضویت یا عدم عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی احتمال بروز دارند (بیشتر هم منفی هستند)، اشاره می شود.

● تحدید اشتغال صنعتی: چون عضویت در سازمان تجارت جهانی راه را برای افزایش واردات هموار می سازد، می توان پیش بینی کرد که با عضویت ایران استقبال مصرف کنندگان داخلی از کالاهای خارجی بیشتر شود و در نتیجه، تقاضای مؤثر برای بسیاری از صنایع داخلی کاهش یابد. آثار جانبی این امر می تواند به صورت تحدید یا تعدیل اشتغال در آن صنایع نمایان شود. صنعت خودرو در ایران نمونه بسیار بارزی است که با توجیه اشتغالزایی آن، کوششی در راه تحريك افزایش توان رقابتی آن انجام نشده است.

● کاهش ظرفیت بالفعل عوامل تولید در برخی از صنایع داخلی: با توجه به فرهنگ مصرفی حاکم بر جامعه، واقعیت این است که مصرف کنندگان بر پایه عادت یا تجربه، کالاهای صنعتی خارجی را به لحاظ کیفیت و دوام، بر کالاهای داخلی ترجیح می دهند. با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، ورود کالاهای خارجی آسانتر می شود و در نتیجه رکود گریبانگیر صنایع داخلی خواهد شد.

● کاهش زیرساختهای بخش صنعت و معدن: با کاهش درآمدهای دولت به سبب لغو یا کاهش تعرفه و در عوض روند رو به رشد هزینه های جاری دولت، کسری بودجه بیشتری قابل پیش بینی است (ضمن اینکه اکنون نیز با وجود نرخهای تعرفه بالا در بسیاری از موارد درآمدهای مالیاتی دولت کمتر از پیش بینی ها بوده است). این

● در فرآیند جهانی

شدن چهار گام اساسی را

می توان برشمرد:

(۱) خصوصی کردن

اموال دولتی، (۲)

رها سازی بازار سرمایه،

(۳) کنترل نکردن قیمت ها

و (۴) تجارت آزاد و

برداشتن سدهای ورود و

خروج آزادانه کالاها و

خدمات.

بخش نفت و گاز از مقررات خود، این فرصت را از اقتصاد ما گرفته است. با این حال، با ایجاد صنایعی چون پتروشیمی و تولید محصولات که از این محدوده بیرون هستند، این مشکل قابل حل است.

نگاهی به راهکارهای رویارویی با پدیده جهانی شدن

استیگلیتز^۶ در کتاب جهانی شدن و مسایل آن نوشته است: «بیشتر کشورهای صنعتی پیشرفته، از جمله آمریکا و ژاپن، با انتخاب آگاهانه بعضی از صنایع و حمایت از آنها، تاجایی که می توانستند به اقتصاد خود دوام و قوام بخشیدند... کشورهای غربی، آزادسازی را برای محصولات صادراتی خود می خواستند و در عین حال به حمایت از بخشهایی از اقتصادشان که احیاناً نمی توانستند با کشورهای در حال توسعه رقابت کنند، ادامه دادند.» او می افزاید: «در مذاکرات اخیر دوررو گوئه، درباره آزادسازی تجاری، موضوع مبادله خدمات مطرح شد؛ اما در پایان، بازارها عمدتاً به روی صدور خدمات از کشورهای صنعتی، یعنی خدمات مالی و دانش فنی اطلاعات باز شد و برای خدمات دریایی و ساختمانی که کشورهای در حال توسعه ممکن است بتوانند نفعی در آن عاید خود سازند، بسته ماند.»

این سخنان ماهیت جهانی شدن را به روشنی آشکار می سازد و نشان می دهد که این رویداد ایجادکننده رقابتی نامتوازن است. تاکنون سخنان بسیاری در مورد راهکارهای رویارویی با جهانی شدن مطرح شده است، اما استیگلیتز با شناخت و درک عمیقی که از جهانی شدن دارد، راهکارهایی را با استفاده از تجربه کشورهای جنوب شرقی آسیا نشان می دهد. به گفته او «موفق ترین کشورهای در حال توسعه، یعنی آنها که در شرق آسیا قرار دارند، اگرچه اقتصادشان را به روی خارج باز کرده اند، اما این کار به آرامی و مرحله ای انجام شده است. این کشورها از جهانی شدن استفاده کردند و صادراتشان را بالا بردند و در نتیجه به رشد پرشتاب هم دست یافتند، اما موانع تعرفه ای را با دقت و منظم

● در نیم قرن گذشته ترکیب کالاهای تجاری سخت دگرگون شده و شاخص ارزش صادرات کالاهای صنعتی به ۱۹۴ برابر رسیده است. از این رو، در بیشتر نشست های سازمان تجارت جهانی، صدور محصولات صنعتی را محور گفتگوها قرار داده اند.

یادداشت ها

۱. باید گفت که تئوریهای «کینز» هم برای دفاع از نظام سرمایه داری مطرح شد. به عبارات دیگر، در صحنه اقتصادی، کوشش دانشمندان در مطرح شدن تئوریهای آنان نقش ندارد، بلکه نظام سرمایه داری است که تشخیص می دهد کدام تئوری متناسب با اهداف نظام در آن مقطع زمانی است و باید بیشتر به آن توجه شود.
2. International Monetary Fund
۳. در واقع تاریخ مصرف نسخه کینز برای نظام سرمایه داری در این زمان به پایان رسید.
۴. استیگلیتز، جوزف جهانی شدن و مسایل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران، نی، ص ۳۶.
5. Fischer, 1993
۶. جوزف استیگلیتز مشاور ارشد بانک جهانی که ریاست مشاوران اقتصادی کلinton را برعهده داشت.

منابع:

- ادیب، محمدحسین، «ایران در سازمان تجارت جهانی»، تهران آموزه، ۱۳۷۹.
- بهکیش، محمد مهدی، «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن»، چاپ دوم، تهران نشر نی، ۱۳۸۱.
- استیگلیتز، جوزف، «جهانی سازی و مسائل آن»، ترجمه حسن گلریز، تهران، نی، ۱۳۸۲.
- پیتر مارتین هاسن، هارالد شومان، «دام جهان گرایی، تعرض به دموکراسی و رفاه»، ترجمه عبدالحمید فریدی عراقی، ۱۳۸۰.
- شاپور برواسانی «درونمایه اقتصادی و اجتماعی جهانی شدن»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره های

● سرمایه‌گذاری
خارجی بخش کلیدی
جهانی‌سازی جدید دانسته
می‌شود. با این باور،
خصوصی‌سازی،
آزادسازی و تثبیت اقتصاد
کلان باید فضایی پدید آورد
که سرمایه‌ها و از جمله
سرمایه‌های خارجی را جلب
کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی